

نقدی بر کتاب روشن‌فکران ایران: روایت‌های یأس و امید

ایدئولوژی روشن‌فکرانه در جامعه‌شناسی روشن‌فکران ایران

عباس خلجی*

چکیده

این مقاله با رویکرد تحلیلی - انتقادی درباره یک کتاب دانشگاهی به‌نگارش درآمده است. اثری جامعه‌شناسانه، که به‌منزله یک متن کمک‌درسی برای آشنایی دانشجویان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و علوم سیاسی در ایران و جهان با سیر تحول جریان روشن‌فکری در ایران معاصر به‌رشته تحریر درآمده است. بر این اساس، نگارنده مقاله ابعاد مختلف شکلی، روشی، نظری، و محتوای علمی کتاب را در بوتۀ نقد و محک به آزمون نهاده است تا میزان شایستگی آن به‌منزله منبع درسی برای تدریس جامعه‌شناسی سیاسی ایران یا برای مطالعه عمومی علاقه‌مندان مشخص شود و البته عیار آن برای مخاطبان دانشگاهی روشن‌گرده. این کتاب از برخی ویژگی‌های درخور و مثبتی برخوردار است؛ باوجوداین، در ابعاد گوناگون شکلی، روشی، نظری، و علمی کاستی‌هایی دارد که می‌تواند در چاپ‌های بعدی برطرف گردد و متنی شایسته در اختیار دانشجویان قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: روشن‌گری، روشن‌فکری، روشن‌فکران ایران، علی میرسپاسی، روایت‌های یأس و امید.

۱. مقدمه

جریان روشن‌فکری در ایران رهاورد تماس ایرانیان با فرهنگ و تمدن غرب، به‌ویژه درک اندیشه‌های تجدد در دوران معاصر اروپاست. پی‌آمدهای ویران‌گر دو دوره از جنگ‌های

* استادیار بازنشسته دانشگاه جامع امام حسین (ع)، abbas.khalaji@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۱

طولانی میان ایران و روسیه باعث بیداری ایرانیان شد. این بیداری ایرانیان را از عقب‌ماندگی تاریخی در مقایسه با توسعه غرب و پیشرفت غربیان آگاه ساخت. بنابراین، تفکر و اندیشه‌ورزی عالمانه درباره علل و عوامل داخلی و خارجی عقب‌ماندگی ایران آغاز شد. یافته‌های فکری، فلسفی، تاریخی، و جامعه‌شناختی این جریان طیف گوناگونی از روشن‌فکران ایرانی را رقم زد و شیوه نگرش آن‌ها به مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی ایران موجب دسته‌بندی‌های مختلفی از روشن‌فکران ایرانی شد و امواج چندگانه‌ای از جریان روشن‌فکری در ایران را به‌راه انداخت. حجاریان در یک طبقه‌بندی معتبر و قابل قبول چهار موج روشن‌فکری را در ایران شناسایی می‌کند و نمایندگان آن‌ها را معرفی کرده است (حجاریان ۱۳۸۰؛ خلجی ۱۳۸۶). اما آنچه مهم است آثار علمی، دستاوردهای نظری، و پی‌آمدهای عملی روشن‌فکران در سپهر سیاست و فرهنگ ایران است. تلاش‌های نظری، کوشش‌های علمی، و پژوهش‌های قابل توجهی در این‌باره صورت گرفته است و آثار علمی معتبر و گران‌سنگی تولید و منتشر شده است (آبادیان ۱۳۸۸؛ آجدانی ۱۳۸۷؛ امیری ۱۳۸۳؛ امانیان ۱۳۸۲؛ آزاد ارمکی ۱۳۸۱؛ پارسانیا ۱۳۹۱؛ پدرام ۱۳۸۳؛ تاجیک ۱۳۸۴؛ حاجیلری ۱۳۸۵؛ خسروپناه ۱۳۸۴؛ خسروپناه ۱۳۸۹؛ میرسپاسی ۱۳۸۷).^۱ یکی از این آثار، که دیدگاهی انتقادی به امواج گوناگون جریان روشن‌فکری در ایران معاصر اتخاذ کرده است، کتاب *روشن‌فکران ایران: روایت‌های یأس و امید* است که علی میرسپاسی آن را به‌نگارش درآورده است و در ایالات متحده آمریکا به‌چاپ رسیده است. ترجمه فارسی این کتاب در ایران چاپ و منتشر شد و با اقبال نسبی روبه‌رو گردید. کتاب تاکنون به چاپ چهارم رسیده است. اینک در این مقاله می‌کوشیم با اتخاذ رویکردی انتقادی به معرفی و ارزیابی نظری، روشی، و علمی آن پردازیم.

۲. معرفی کتاب

فهرست مطالب کتاب *روشن‌فکران ایران: روایت‌های یأس و امید*^۲ گویای برخورداری متن از مقدمه ناشر (فارسی)، مقدمه مترجم (فارسی)، پیش‌گفتار، و چکیده است و مطالب آن در نه فصل جداگانه سامان یافته است. فصل نهم نتیجه‌گیری کتاب را در بر می‌گیرد و فهرست اعلام پایان‌بخش آن است. متأسفانه، جای کتاب‌نامه و کتاب‌شناسی خالی است و فهرست منابع مورد استفاده در نگارش کتاب نیز نیامده است. در واقع، منابع هر فصل در پایان آن درج شده است.

در مقدمه کوتاه ناشر مزیت‌های علمی و ارزش‌های انتقادی کتاب معرفی شده است و در مقدمه مترجم بر امتیازات کتاب تأکید گردیده است و دغدغه‌های روشن‌فکرانه نویسنده مبنی بر حرکت به سوی مدرنیته دموکراتیک در ایران بازنمایی می‌شود. سپس، موانع و معضلات مسیر روشن‌فکران ایرانی از نظر نویسنده بررسی می‌شود. پیش‌گفتار و چکیده نیز روایت‌های یأس و امید روشن‌فکران ایران را در گذار به سوی مدرنیته واگویی می‌کند؛ یعنی در این بخش چکیده‌ای از مطالب کتاب برای آشنایی خوانندگان با کتاب عرضه می‌گردد. سازمان‌دهی مطالب کتاب در قالب فصل‌های نُه‌گانه به ترتیب ذیل است:

فصل اول: «روشن‌فکران ایران؛ روایت‌های امید و یأس» است که در این قسمت پدیده فردید به‌مثابه عامل اصلی انحراف روشن‌فکران ایرانی از مدرنیته دموکراتیک و گرایش به سوی روایتی کل‌گرایانه و تمامیت‌خواهانه از فلسفه هایدگری در ایران بررسی و تحلیل می‌شود.

فصل دوم: «بحران خیال‌پردازی بومی‌گرا» نام دارد و فصلی در جهنم رمبو بررسی می‌شود. تحلیل این کتاب نشان‌دهنده نوعی اضطراب درباره از دست رفتن ریشه و خاطرات است و نقدی به خرد مدرن تلقی می‌شود که در پرده خیال‌پردازی شرق‌شناسانه و جست‌وجو برای خانه معنوی پیچیده شده است. تحلیل تفصیلی رمان فصل مهاجرت به شمال نوشته صالح طیب سودانی نیز مخاطرات قهرآمیز و خصمت ضددموکراتیک گفتمان‌های ضدغربی را درباره ریشه‌ها و اصالت نشان می‌دهد. این روایت نوعی بازسازی چشم‌انداز تخیل شرق‌شناسی است که از هر دو زاویه شرقی و غربی به‌کار گرفته شده است و هم‌زمان دعوی خود را بر هرگونه واقعیت حقیقی در فراسوی خیال و اندیشه نفی می‌کند. فصل سوم: درباره مدرنیته در فراسوی بومی‌گرایی و کل‌گرایی است که ابتدا بسترهای اجتماعی روشن‌گری بررسی می‌شود و سپس، سنت ایرانی نقد می‌گردد.

فصل چهارم: «هایدگر و ایران؛ سویه تاریک هستی و تعلق» نام دارد و مباحث مهمی را در بر می‌گیرد: میراث مبهم غرب، و مسئله بی‌اصالتی؛ مسئله اصالت‌مندی و ریشه‌ها به‌مثابه امر بنیادین؛ یک رژیم اصیل و مسئله سکولاریسم؛ و ایدئولوژی اسلامی در ایران. این فصل با توجه به آثار هایدگر، به‌ویژه کتاب هستی و زمان، از چشم‌اندازی سیاسی گفتمان فلسفی هایدگری را در بستر تاریخی سنت ضدروشن‌فکری قرار می‌دهد که به ایدئولوژی‌های فاشیستی اروپا و جنگ جهانی دوم منتهی شدند. اهمیت این سنت و جایگاه کلیدی هایدگر در آن با توجه به گفتمان‌های اسلام‌گرایان ایرانی تحلیل می‌شود؛ گفتمان‌هایی که پیش از انقلاب اسلامی ایران مبنای ایدئولوژیک آن را فراهم ساختند.

فصل پنجم: «دموکراسی و نظریه؛ کثرت‌گرایی مفهومی و دین در اندیشه دیویی» است و سهم فلسفه عمل‌گرای دیویی درباره الگوی تاریخی مدرنیته باتوجه به مسئله دموکراسی و دین در جوامع مدرن بررسی می‌شود.

فصل ششم: «راه‌هایی به سوی روشن‌گری؛ فضیلت و دموکراسی» است و به بررسی مسئله مدرنیته در سرچشمه‌های تاریخی آن می‌پردازد و غیریت‌سازی شرق در گفتمان شرق‌شناسی را به بوته نقد می‌نهد.

فصل هفتم: دیدگاه ارغون درباره «نیندیشیده در اندیشه اسلامی معاصر» نام گرفته است و کار ارغون را در مورد مدرنیته، سنت دینی، و دموکراسی بررسی می‌کند: «بنابراین موضع ارغون حامل چالش در سه جبهه است: گفتمان‌های اسلامی ارتدوکس، سنت شرق‌شناسی غربی، و جنبش‌های اسلام‌گرا که در تقابلی فرضی با یک‌دیگر ایستا، میراث اسلامی را به جوهری ثابت تقلیل می‌دهند» (میرسپاسی ۱۳۸۷: ۳۴).

فصل هشتم: «هند و آمریکا؛ نهر، گاندی، و مارتین لوتر کینگ» نام دارد و به بررسی تطبیقی دو جنبش اجتماعی مهم قرن بیستم میلادی اختصاص دارد. چون همه آن‌ها زمینه‌های فکری و عملی مشترکی دارند و دریافت‌های غالب از مدرنیته هژمونیک را واژگون می‌سازند و بدیل تنگ‌نظرانه و قهرآمیز مندرج در ایدئولوژی اصالت را نفی می‌کنند. در واقع، هر دو جنبش استقلال هند به رهبری گاندی و نهر و جنبش حقوق مدنی سیاهان آمریکا به رهبری مارتین لوتر کینگ تجربیات عملی و واقعی جنبش‌های دموکراتیک ریشه‌ای، کثرت‌گرا، و غیرقهرآمیزی را به‌نمایش می‌گذارند که جویای تحول هستند و در بازاندیشی و بازسازی عمیق روایت‌هایی از سنت‌های محلی ریشه دارند: یکی هندوئیسم و دیگری مسیحیت. در عین حال، در مقابل نفوذ سنت‌های گوناگونی از اطراف و اکناف جهان گشوده‌اند. بدین‌سان، در این فصل مباحث گاندی، کینگ، و مسئله «قهر درونی» از یک‌سو، و نهر، هگل، و مفهوم تاریخ مدرن از سوی دیگر، بررسی و تبیین می‌شود.

فصل نهم: نتیجه‌گیری پایانی کتاب را در بر می‌گیرد. به‌زعم نویسنده، این مطالعه به تبارشناسی پیکره‌قالبی از اندیشه روشن‌فکری در خاورمیانه امروز و سردرگمی سیاسی می‌پردازد که تا حدود زیادی از این وضعیت ناشی می‌شود. روشن‌فکران ایرانی و تحولات انقلابی در ایران معاصر نیروی اصلی شتاب‌دهنده به این گفتمان بوده است؛ گفتمانی که حول موضوع شناخت غرب با تصور ویژگی‌های هستی‌شناختی ثابت متمرکز شده است. این غرب بی‌شبهت به مفهوم شرق به‌مثابه «غیر» نیست. بدین‌سان، واقعیت این «غرب» به‌مثابه یک «غیر» بیگانه در گفتمان‌های روشن‌فکری غالب در کانون فضای مغشوش

روشن‌فکری و افق محدود گزینه‌های سیاسی قرار دارد که گریبان خاورمیانه را گرفته است؛ به گونه‌ای که مدرنیته بیگانه و فاقد هرگونه اصالت تلقی می‌شود و میراث استعماری قهرآمیز مدرنیته غربی با روایت، امکانات، و نهادهای لیبرالی موجود مغلوط می‌شود و به‌طور خودکار، «حقوق بشر را نیز گفتمانی سرکوب‌گر به‌شمار می‌آورند» (همان: ۳۲۶).

در واپسین بخش کتاب سه گفتمان متفاوت دربارهٔ دنیای مدرن و ویژگی‌های هریک معرفی شده است:

۱. مدرنیته غرب که گفتمانی مسلط و انتقادی است و به ابتکار ادوارد سعید صورت‌بندی شده است و سهم مهمی دارد؛

۲. نفی مدرنیته که تحت‌تأثیر گفتمان‌های ضدروشن‌گری و رادیکال غرب قرار دارد و از سوی گفتمان‌های اقتدارطلب در جهان اسلام صورت گرفته است. «نفی مدرنیته ریشه در گفتمان غربی نیرومندی دارد که به سال‌های آغازین روشن‌گری بازمی‌گردد» (همان: ۳۲۸).

۳. یک مدرنیته باز، کثرت‌گرا، و دموکراتیک که مستلزم تحول متافیزیکی یا ساختار معرفت‌شناختی جوامع نیست. در این‌جا اندیشه‌های فلسفی دیوبی، اندیشهٔ عملی عدم خشونت گاندی و مارتین لوتر کینگ، و اندیشهٔ اجتماعی و تاریخی نهرو مورد تأکید قرار می‌گیرد تا نشان داده شود که تفسیرهای بدیل از میراث روشن‌گری می‌تواند به ساختن جامعه‌ای دموکراتیک کمک کند. مشروط بر آن‌که به‌لحاظ جامعه‌شناختی این رویکرد ریشه در زندگی روزمرهٔ مردم در جامعه داشته باشد، نه ملاحظات هستی‌شناختی یا ساختار معرفت‌شناختی.

به‌طور کلی، کتاب برخی از جنبه‌های ساختار معرفت‌شناسی تاریخی تحول‌یابنده را عرضه می‌کند و با توجهی خاص به گفتمان‌های روشن‌فکری در ایران معاصر برخی از محدودیت‌های «اندیشیده» و «نیندیشیده»ی آن‌ها را دنبال می‌کند.

۳. نقد و ارزیابی کتاب

این مقاله انتقادی از سه سطح متفاوت برخوردار است و نقد کتاب نیز در این چهارچوب سامان یافته است: نخست، سطح شکلی و ظاهری کتاب؛ دوم، سطح نظری و روش‌شناختی اثر؛ و سوم، سطح علمی و محتوایی متن. بدیهی است، سطح اول اهمیت چندانی ندارد و مورد تأکید نگارنده نیست، اما دو سطح دیگر از اهمیت به‌سزایی برخوردارند و این نوشتار تأکیدی ویژه بر آن‌ها دارد.

۱.۳ نقد شکلی

از دیدگاه شکلی، مشکل چندانی در کتاب دیده نمی‌شود؛ مگر آن‌که فاقد برخی مؤلفه‌های جامعیت صوری متن است. مانند مقدمه فصول، فهرست مطالب تفصیلی، جدول، تصویر، نمودار و نقشه، خلاصه فصول و جمع‌بندی و خلاصه کلی کتاب، تمرین و آزمون، پیش‌نهاد پژوهش‌های بیشتر، نمایه‌های موضوعی، فهرست منابع، و کتاب‌شناسی. در چکیده نیز جای فصل ششم و هفتم برخلاف فهرست مطالب جا به جا ارائه شده است.

طرح جلد کتاب جذاب و البته کمی مبهم است. تیرگی زمینه طرح جلد بر این ابهام می‌افزاید. قلم مناسبی انتخاب شده است و حروف‌نگاری متن زیباست. صفحه‌آرایی مطلوب است و مشکلی ندارد. کیفیت چاپ مطلوب و فاقد ضعف آشکاری است. صحافی آن مناسب ارزیابی می‌شود. حجم چهارصد صفحه‌ای کتاب با قطع وزیری تناسب بیشتری دارد. غلط‌های تایپی اندکی در متن دیده می‌شود و غلط‌های تایپی و چاپی فاحشی ندارد. چند نمونه قابل ذکر به ترتیب زیر است: در سطر ۸ صفحه ۱۱، «تأثیر» = «تأثیر»؛ در سطر ۲۰ صفحه ۳۳۰، «به دستمی‌دهد» = «به دست می‌دهد»، در سطر ۶ صفحه ۳۳۱ و سطر ۷ صفحه ۳۳۳، «معرفتی» = «معرفتی»؛ و ... درست است.

به‌طور کلی، قواعد عمومی نگارش و ویرایش تخصصی متن رعایت شده است و برخی از مشکلات موجود نیز قابل اغماض است. یعنی متن روان و رساست؛ چون باتوجه به ماهیت تخصصی متن که از واژگان علمی و تخصصی بسیاری استفاده شده است، مطالعه آن آسان است.

۲.۳ نقد روش‌شناختی و رویکرد نظری کتاب

نخست، به‌لحاظ نظری مهم‌ترین معضل تناقض‌آمیز کتاب فقدان ره‌یافت نظری مشخص و رویکرد روشی قابل‌اتکا و کارآمد برای طی فرایند تحقیق است. نویسنده نتوانسته است یک چهارچوب نظری دقیق برای طرح تحقیق خویش صورت‌بندی کند و به همین لحاظ، کتاب از اغتشاش روش‌شناختی رنج می‌برد. اگرچه رویکرد اعلامی نویسنده اتخاذ چهارچوبی جامعه‌شناختی است، به‌طور ناخودآگاه و درعمل درگیر دغدغه‌های روشن‌فکرانه شده است و در دام رویکردهای ذهنی و چهارچوب‌های فلسفی و روشن‌فکرانه‌ای گرفتار آمده است که بیشتر روشن‌فکران ایرانی، داخل و خارج کشور، گرفتار آن هستند و نویسنده نیز منتقد آن است.

به‌طور گسترده‌ای، نویسنده از کلیدواژگان و مفاهیم کلی و مبهمی بهره می‌گیرد که قابل تعبیر و تفسیر هستند؛ بدون آن‌که آن‌ها را تعریف و جایگاه هر یک را در چهارچوب نظری و رویکرد روش‌شناختی خود روشن کند: اصطلاحاتی چون فلسفه کل‌گرا، تمامیت‌خواه، و مطلق‌گرایی روشن‌گری فرانسه، بومی‌گرایی، اندیشه اجتماعی، غرب‌ستیزی، بازگشت به ریشه‌ها، جست‌وجوی اصالت، مفاهیم هایدگری زوال غرب، و ... به‌وفور در متن دیده می‌شوند (همان: ۹-۱۰).

در این میان، مهم‌ترین معضل رویکرد نظری نویسنده طرد و رد دوگانه‌انگاری‌های رایج در بستر گفتمان‌های تاریخی جریان‌های روشن‌فکری در ایران، هم‌چون دوگانه‌های شرق - غرب، سنت - تجدد، دینی - سکولار، رویکرد جامعه‌شناختی - رویکرد معرفت‌شناختی، و ... است؛ درحالی‌که خود نیز به پرورش دوگانه‌های جدیدی پرداخته که چند نمونه زیر قابل معرفی است: روایت‌های یأس، روایت‌های امید، فلسفه جان دیویی، فلسفه هایدگری، قلمرو متافیزیکی - زندگی روزمره، حوزه معرفت‌شناختی، حوزه جامعه‌شناختی، مدرنیته بسته و غرب‌محور، مدرنیته باز و کثرت‌گرا، مدرنیته اقتدارطلب و غیردموکراتیک، مدرنیته دموکراتیک، تجربه مدرنیته فرانسوی، تجربه مدرنیته بریتانیایی، تجربه مدرنیته فرانسوی، تجربه مدرنیته آمریکایی، مدرنیته دینی و سنت‌گرا، مدرنیته سکولار و عرفی، و ...

نویسنده رویکرد نظری خود را براساس این مفروضه بنیادین استوار ساخته است که میان نگاه کل‌گرایانه فلسفی و ساختاری، به‌ویژه در اندیشه‌های هایدگر و ضدیت با دموکراسی و مدرنیته دموکراتیک، نسبت مستقیمی وجود دارد؛ درحالی‌که این پرسش هم‌چنان بی‌پاسخ می‌ماند که چه نسبتی میان این دو وجود دارد؟ به‌نظر می‌رسد، او در این زمینه به‌شدت از اثر معروف کارل پوپر، یعنی *جامعه باز و دشمنانش* تأثیر پذیرفته است بدون آن‌که از آن یاد کند. این نکته در آماج حملات سنگین و انتقادات تند و تیز او بر روایت‌های کل‌گرایانه و مطلق‌گرایی هگل از تاریخ، دین‌گرایی، و اخلاق‌ستیزی نیچه، خردگرایی، و آغازهای تازه هایدگر خود را نشان می‌دهد که به‌زعم نویسنده، بر ذهن روشن‌فکران ایرانی نیز سایه افکنده است (همان: ۹). نقد قابل‌توجه دیگری هم وجود دارد که پایه‌گذاری رویکرد انتقادی کتاب بر نقد روشن‌فکران ضدروشن‌گری است و نویسنده از آنان با عنوان منظومه فکری - فلسفی دشمنان روشن‌گری یاد کرده است.

درعین‌حالی که تأکید آشکار نویسنده بر اتخاذ رویکردی جامعه‌شناختی در بررسی علل و عوامل روایت‌های یأس‌آمیز روشن‌فکری در ایران و بهره‌گیری از ویژگی‌های جامعه‌شناختی و زندگی روزمره برای تقویت روایت‌های امید جریانی روشن‌فکری در ایران است، بخش

عمده‌ای از مطالب کتاب به بررسی و ارزیابی ویژگی‌های فلسفی و معرفت‌شناختی جریان روشن‌فکری در ایران معاصر اختصاص یافته است. به‌زعم نویسنده، رویکرد فلسفی هایدگری به‌مثابه قالب بازدارنده معرفت‌شناختی جریان‌های روشن‌فکری در ایران عمل کرده است. درواقع، برخلاف گزینش آشکار رویکرد جامعه‌شناختی برای پردازش موضوع و تبیین مسئله، این رویکرد نقش چندانی در پردازش کلی موضوع تحقیق ندارد.

ظاهراً، تشخیص نویسنده درباره مسئله جریان روشن‌فکری و راه‌حل آن منطقی و درست به‌نظر می‌رسد؛ درحالی‌که او در تبیین مسئله و ارائه راه‌حل‌های لازم برای درمان آن در فضای روشن‌فکرانه و جنبه ایدئولوژیک دیگری گرفتار شده است. درواقع، او رهایی مدرنیته دموکراتیک را از فضای ایدئولوژیک روشن‌فکری در ایران معاصر از مسیر ایدئولوژی دیگری امکان‌پذیر تلقی می‌کند، درحالی‌که در فضای مناظرات گفتگویی و کشمکش‌های ایدئولوژیک به‌آسانی امکان رهایی وجود ندارد. به‌عبارتی، نویسنده به‌جای یافتن راه‌حل علمی مناسب برای توسعه مدرنیته دموکراتیک در ایران دچار نوع دیگری از روشن‌فکری ایرانی شده است و دستورالعمل دیگری برای روشن‌فکرپروری ارائه می‌کند. بنابراین، راه‌حلش معطوف به سیاست عملی در جامعه ایران است؛ درحالی‌که آشکارا خطرات و چالش‌های بنیادی پروژه‌های بلندپروازانه روشن‌فکری را برای تحول اجتماعی در ایران نادیده گرفتن زندگی روزمره معرفی کرده است و زندگی روزمره را نقطه آغاز تفکر ضروری در پروژه‌های تحول اجتماعی دموکراتیک در آینده تلقی کرده است (همان: ۲۱).

مخالفت نویسنده با ایدئولوژی‌های روشن‌فکرانه و جریان‌های روشن‌فکری تمامیت‌گرا و متافیزیکی دلایل عمده‌ای دارد: نخست آن‌که آنان در تقویت رویکرد نخبه‌گرایانه و غیردموکراتیک در تحول اجتماعی تأثیر جدی دارند و این کار را بر مبنای مفاهیمی تمامیت‌خواهانه انجام می‌دهند و ویژگی‌های جامعه‌شناختی و مسائل واقعی جامعه ایران معاصر را در نظر نمی‌گیرند. با این حال، نویسنده این ویژگی‌های جامعه‌شناختی و مصادیقی از مسائل واقعی جامعه ایران را معرفی و پردازش نمی‌کند و به‌آسانی از کنار این مسائل مهم می‌گذرد (همان: ۲۳۱).

گاهی این اندیشه به ذهن متبادر می‌شود که گویا این کتاب با هدفی معطوف به سیاست عملی ایران نگاشته شده است و ازسویی، دستورالعملی برای صورت‌بندی ایدئولوژی روشن‌فکری نوین و بدیلی است و ازسوی دیگر، دستورالعملی برای مبارزه سیاسی بی‌خسونت و مقاومت مدنی در جامعه ایران تلقی می‌شود. این ظن هنگامی تقویت می‌شود که نمونه‌هایی از کام‌یابی جنبش‌های مقاومت مدنی در غرب (جنبش حقوق مدنی سیاهان

در آمریکا به رهبری مارتین لوترکینگ) و در شرق (جنبش مقاومت منفی ساتیاگراها در هند به رهبری مهاتما گاندی) ارائه می‌گردد؛ درحالی‌که یک اثر علمی و دانشگاهی با رویکرد نظری مناسب و تبیین دقیق جایگاهی درخور و اعتباری مطلوب پیدا می‌کند.

به‌نظر نویسنده، راه رسیدن به جامعه مدرن و دموکراتیک در ایران معاصر فقط از گذرگاه نقد آرای فلسفی هایدگر و ایدئولوژی روشن‌فکرانه راست‌گرای متأثر از هایدگر، یعنی فردیسم می‌گذرد، درحالی‌که معلوم نیست چه نسبتی میان نقد این رویکردهای فلسفی و تحقق دموکراسی وجود دارد. البته، نمونه خاصی برای تأیید این ادعا ارائه نمی‌شود.

باوجوداین، ویژگی‌های مثبت و قابل‌توجه کتاب را نمی‌توان نادیده انگاشت: به‌زعم ناشر، رویکرد انتقادی کتاب درمورد جریان‌های روشن‌فکری در ایران از آرای هایدگر شروع می‌شود و سپس به پیروان ایرانی او می‌رسد. این کار با کالبدشکافی مفهومی خصومت دیرینه پیروان ایرانی تبار هایدگر با مدرنیته دموکراتیک و نگاه خصمانه و تقابلی آن‌ها با فلسفه روشن‌گری صورت می‌گیرد. البته نقد جامع و مسئولانه نویسنده به منظومه فکری - فلسفی دشمنان روشن‌گری در حوزه مفاهیم نظری محبوس نمی‌ماند و با گذر از این دایره و ارائه تجربه‌های زیسته برخی از مصلحان اجتماعی در جهان معاصر، مانند مهاتما گاندی، مارتین لوترکینگ، جواهر لعل نهرو، جان دیویی، محمد ارغون، و ... در تلاش است تا متن کتاب را به زندگی روزمره ایرانیان پیوند زند (همان: ۷-۸). علاوه‌بر آن، مبانی نظری و رویکرد تحلیلی میرسپاسی از قالب رایج و مرسوم اروپامحوری عبور می‌کند و از منظری جهان‌شهری به خوانش مفاهیم جاری و تاریخی روشن‌گری و روشن‌فکری می‌پردازد و رابطه بغرنج دموکراسی و سکولاریسم و نقش تاریخی دین را در تحولات سیاسی و اجتماعی تبیین می‌کند.

۳.۳ نقد علمی و محتوایی کتاب

فقدان چهارچوب نظری و سامان پژوهشی ضعف آشکار کتاب است و متن فاقد نظم و انسجام ساختاری است؛ به‌گونه‌ای که محتوای هر فصل را مقاله‌های مستقلاً تشکیل می‌دهند. بنابراین، نظم منطقی و انسجام ساختاری مطلوبی در هر فصل حاکم است.

منابع مورد استفاده معتبر تلقی می‌شوند، اما فقدان فهرست منابع یا کتاب‌شناسی مستقل کار مقایسه را مشکل می‌سازد. در این میان، می‌توان نقدی بنیادی بر اثر وارد ساخت و آن بهره‌نگرفتن از منابع فارسی گسترده در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی ایران و به‌ویژه درباره

جریان روشن‌فکری معاصر است. تمرکز مطالعه بر مسائل ایران ایجاب می‌کند که نویسنده از منابع موجود این حوزه مطالعاتی بهره‌مند شود. بنابراین، کفایت منابع باتوجه‌به غفلت آن از منابع فارسی با چالش اساسی روبه‌روست.

شیوه استناد و ارجاع کتاب سنتی و به‌صورت یادداشت‌های پایانی در هر فصل است. درحقیقت، از شیوه استاندارد APA یا شیوه استناد و ارجاع درون‌متنی بهره‌نبرده است و اصول رایج منبع‌دهی علمی را رعایت نکرده است، اما به‌لحاظ کیفیت امانت‌داری مطلوب است و تقریباً مطالب آن مستند به منابع معتبری هستند.

کیفیت تجزیه و تحلیل مطالب و تبیین علمی مسئله مطلوب است و جای‌جای کتاب حاوی نقد و ارزیابی آرا و اندیشه‌های صاحب‌نظران و روشن‌فکران ایرانی و فیلسوفان بزرگ غربی و تبیین وضعیت جامعه‌شناختی در قلمرو مورد مطالعه است؛ به‌گونه‌ای که رویکرد انتقادی اثر درمورد زوایای گوناگون اندیشه‌های روشن‌فکران ایرانی و فیلسوفان غربی بر کل اثر سایه انداخته است. بدین‌سان، مسئله علمی به‌خوبی در کتاب تبیین شده است و چهارچوب انتقادی آن مناسب است.

به‌طور کلی، نویسنده تلاش وافر برای رعایت اصل بی‌طرفی علمی به‌عمل آورده است؛ بااین‌حال، تعارض فکری و احتمالاً مخالفت سیاسی او با رویکرد فلسفی تمامیت‌خواهانه و کل‌گرای هایدگری و به‌طور خاص، پیروان ایرانی این مکتب فلسفی، به‌ویژه فردید و جریان فلسفی فردیدسم در ایران کاملاً آشکار است. درمقابل، جانب‌داری او از رویکرد فلسفی کثرت‌گرایانه جان دیویی و بازتاب عملی آن در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی عاری از خشونت، به‌ویژه جنبش حقوق مدنی سیاهان در ایالات متحده آمریکا و جنبش استقلال‌خواهی مقاومت منفی گاندی در هندوستان، قابل‌کتان نیست؛ به‌گونه‌ای که کتاب به یک منشور ترویجی برای ضدیت با فلسفه‌های کل‌گرایانه در روایت‌های کلان و اقتدارگرایانه از مدرنیته ازسویی، و ترویج و تشویق جنبش‌های بی‌خشونت، مقاومت منفی، و نافرمانی مدنی ازسویی دیگر، تبدیل شده است. به‌عبارت‌دیگر، کتاب با طرد و رد ایدئولوژی‌های روشن‌فکری مسلط در ایران معاصر تلاش آشکاری برای معرفی ایدئولوژی روشن‌فکری جدید و بدیلی به‌عمل آورده است.

برخی نمونه‌های نوآوری در کتاب را به‌ترتیب زیر می‌توان معرفی کرد: درابتدا، نویسنده با طرح تقابل دوگانه روایت‌های یأس و امید در جریان روشن‌فکری در ایران به طرح نظریه‌های جدیدی در این زمینه مبادرت می‌ورزد. دوم، از ادبیات علمی روزآمدی برای بیان مسئله و تبیین موضوع بهره‌می‌گیرد. سوم، افقی نو و مسیری خلاقانه در حوزه

جامعه‌شناختی سیاسی ایران و نقش روشن‌فکران و جریان روشن‌فکری در تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر ایران ترسیم می‌کند. چهارم، با استفاده از نتایج و یافته‌های مطالعات تطبیقی و طرح مباحث متافیزیکی و فلسفه‌استعلایی هایدگر ازسویی، و زندگی روزمره و وضعیت جهان غرب و دنیای شرق ازسوی دیگر، چشم‌انداز قابل‌درکی از آینده‌جریان روشن‌فکری و تحولات سیاسی و اجتماعی ایران می‌گشاید. آموزشی بودن متن ازسویی، و تناسب و کاربرد عمومی آن ازسوی دیگر، مزیت دیگر کتاب است.

روزآمدی داده‌های آن از ابعاد مختلف تأمین شده است: نخست، استفاده از منابع جدید و ارجاع به منابع مختلف، باوجود آن‌که از آثار فارسی غفلت شده است؛ دوم، بهره‌گیری از آثار متنوع و ارائه تحلیل‌هایی که پیش از آن طرح نشده بود و بوی تازگی از آن‌ها به‌مشام می‌رسد؛ سوم، بذل توجه به نیازهای جدید و روزمره جامعه ایران، مانند نزاع سنت و تجدد و ضرورت گذار به مدرنیته دموکراتیک و گشودن رویکردی کثرت‌گرایانه در برابر جامعه علمی و مخاطبان کتاب؛ و چهارم، تقویت رویکردی انتقادی در جامعه علمی کشور و تشویق و ترویج تولیدات علمی - انتقادی در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی ایران.

سازگاری محتوای علمی اثر با مبانی و اصول دینی از دو زاویه قابل‌ارزیابی است؛ نخست، از زاویه روایت رسمی از دین و مبانی آن که رویکرد و محتوای کتاب نمی‌تواند در جهت ترویج و تقویت آن تحلیل و ارزیابی شود و در این مدار قرار گیرد. دوم، از زاویه روایت‌های متکثر از دین، به‌ویژه روایت‌های نوگرایانه و اصلاح‌طلبانه در ایران معاصر که نگارنده این کتاب، در جهت تقویت جامعه باز و مدرنیته دموکراتیک، به ظرفیت‌های بسیاری برای ادیان گوناگون و اسلام قائل است. بنابراین، اثر در چهارچوب گفتمان نوگرایی دینی قرار می‌گیرد.

عنوان فارسی، که برگردان اثر برگزیده است، کمی با عنوان اصلی آن متفاوت است. درواقع، «روشن‌فکران ایران: امید اجتماعی و ناکامی فلسفی» معادل دقیق‌تری برای آن به‌شمار می‌رود. به‌نظر می‌رسد که در فصل‌های مختلف کتاب تلاش مطلوبی برای اثبات امید اجتماعی در آینده و ناکامی فلسفی در گذشته برای گذار به مدرنیته دموکراتیک به‌عمل آمده است. به‌طور کلی، نویسنده جریان روشن‌فکری پیرو معرفت‌شناسی متافیزیکی و فلسفه‌استعلایی هایدگری را نماینده روایت‌های یأس و ناکامی فلسفی در گذار به مدرنیته دموکراتیک معرفی می‌کند و درمقابل، جریان روشن‌فکری وفادار به رویکرد جامعه‌شناختی و زندگی روزمره را نماینده امید اجتماعی و روایت‌های امیدوارانه معرفی می‌کند. بنابراین، انطباق محتوای اثر با فهرست آن در حد قابل‌قبول و مطلوبی ارزیابی می‌شود.

به‌طور کلی، این کتاب با هدف آموزشی و آن هم متناسب با نیازهای جامعه علمی و رشته‌های دانشگاهی در ایران به‌نگارش درنیامده است؛ اگرچه ممکن است که در بستر فرهنگی جامعه محل اقامت نویسنده، یعنی ایالات متحده آمریکا، کاربرد آموزشی هم داشته باشد. بنابراین، سخن‌گفتن از تطابق مطالب اثر با سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری بی‌مورد به‌نظر می‌رسد. بااین‌حال، محتوای کتاب بخشی از نیازهای سرفصل درس جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی را برطرف می‌کند. بنابراین، به‌عنوان متنی فرعی و کمک‌درسی یا برای مطالعه آزاد علاقه‌مندان این حوزه کاربرد دارد.

به‌منظور تبیین موضوع و تجزیه و تحلیل مسائل تاحدی از ابزارهای علمی متناسب با ماهیت موضوع بهره برده است: مباحث مقدماتی، مانند پیش‌گفتار، مقدمه، فهرست مطالب، و نتیجه‌گیری پایانی آن مطلوب است؛ اما خبری از تمرین، آزمون، جدول، تصویر، نمودار، و نقشه در آن نیست. جای جمع‌بندی مطالب در پایان هر فصل خالی است. اصطلاحات تخصصی در نگارش کتاب کاربرد وسیعی دارد و معادل‌های تخصصی‌ای که از سوی مترجم فارسی انتخاب و پیش‌نهاد شده است، تقریباً قابل قبول است. بنابراین، مترجم در تأمین روانی و رسایی متن موفق بوده است.

به‌طور کلی، رویکرد اثر درباره بررسی و تبیین علمی یک مسئله بنیادی و نیازهای فراگیر و عمیق جامعه درحال گذار ایران قابل‌تحسین است، طرح مسئله‌واره نقش جریان‌های گوناگون روشن‌فکری در ایران در سیر تحولات گوناگون سیاسی و اجتماعی و به‌ویژه مواجهه آنان با مدرنیته و گزینش جنبه خاصی از این مدرنیته اروپامحور همواره از نیازهای جامعه ایرانی تلقی شده است. این بذل توجه لزوماً در چهارچوب گفتمان سیاسی مسلط و فرهنگ رسمی ایران صورت نگرفته است و اتفاقاً، رویکردی انتقادی درمورد نگرش‌های حاکم و گفتمان مسلط دارد. بنابراین، ارزیابی این رویکرد نسبی است و کاملاً با شیوه نگرش مخاطب و نیازهای او گره می‌خورد. درهرحال، داده‌های گردآوری‌شده و نتایج تجزیه و تحلیل آن برای جامعه علمی قابل‌استفاده است.

۴. نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف معرفی و نقد کتاب روشن‌فکران ایران: روایت‌های یأس و امید و ارزیابی روش علمی، رویکرد نظری، داده‌های تاریخی، و محتوای تبیینی آن به‌نگارش

درآمده است و در جهت برجسته‌سازی نقاط قوت و آشکارسازی نقاط ضعف و کاستی‌های آن تلاش کرده است. رسالت در این مقاله انتقادی معرفی رویکرد نظری و محتوای علمی کتاب از یک سو، و بررسی انتقادی کتاب در ابعاد مختلف شکلی، روشی، و علمی از جانب دیگر، تلقی می‌شود. نگارنده در این مسیر تا حدودی کام‌یاب است. در این راستا، ابتدا فصول مختلف کتاب و درون‌مایه علمی و محتوایی آن معرفی گردید و سپس، سامان روشی، چهارچوب نظری، و رویکرد علمی اثر به بوته نقد نهاده شد. بر این اساس، کتاب با وجود برخورداری از برخی نقاط قوت شکلی از برخی جنبه‌ها کاستی‌هایی دارد؛ چون برخی از اصول و استانداردهای شکلی کتاب رعایت نشده است.

این مقاله انتقادی در پنج بند جداگانه سامان یافته است: پس از چکیده و معرفی واژگان کلیدی نخست، درآمد نظری و دوم، سرفصل‌های کتاب معرفی گردید. در بند سوم فرازهای مهم از مطالب اثر انتخاب و معرفی شد تا از محتوای کتاب آگاهی مختصری حاصل شود. در بند چهارم نقد شکلی، روشی، و محتوایی اثر سامان گرفت که مهم‌ترین بخش آن حول محور انتقادات روشی و محتوایی قرار می‌گیرد. در بستر این نقادی پیش‌نهادهای سازنده و اصلاحی در خوری برای بهبود روشی و محتوایی اثر ارائه شد.

بدیهی است که هر اثری در کنار قوت‌های نظری، روشی، محتوایی، و شکلی ضعف‌هایی نیز دارد؛ اما مهم غلبه نقاط قوت کتاب بر نقاط ضعف احتمالی و ناچیز بودن کاستی‌های آن در برابر ارزش‌های علمی کتاب است. بیان ضعف‌های کتاب فقط به منظور تقویت آن است که مترجم می‌تواند از طریق نگارش پانوشته‌های توضیحی در چاپ‌های بعدی این امر را انجام دهد.

در بُعد نظری، کتاب فاقد چهارچوب نظری مستحکم، قابل اتکا، و ره‌یافت تبیین‌گری است و ساختار کتاب بر اساس رویکرد ایدئولوژیک نویسنده سامان یافته است. به گونه‌ای که فاقد رویکرد نظری و تحلیلی لازم برای نگارش یک اثر علمی و پژوهشی و به‌ویژه متن درسی است. در بُعد روش‌شناختی، روش علمی خاصی برای پژوهش در نظر گرفته نشده است و به صورت شهودی و برپایه سلیقه شخصی عمل کرده است. در این چهارچوب رویکرد ایدئولوژیک و روشن‌فکرانه نویسنده بر مطالب کتاب سایه انداخته است و سیر تحول جریان روشن‌فکری را در ایران از منظری شخصی و ایدئولوژیک بررسی، تحلیل، و تبیین کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. فهرست بخش مهمی از این آثار گردآوری و در پیوست «فهرست منابع» مقاله ارائه شده است. این بخش ضمیمه به‌مثابه کتاب‌شناسی تقریباً کاملی از جریان روشن‌فکری در ایران تلقی می‌شود و بنابراین می‌تواند برای مطالعهٔ بیش‌تر مورد استفادهٔ علاقه‌مندان این حوزهٔ مطالعاتی قرار گیرد.
۲. علی میرسپاسی (۱۳۸۷)، *روشن‌فکران ایران: روایت‌های یأس و امید*، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران: نشر توسعه، ۳۴۴ صفحه.

این اثر برگردان فارسی کتاب انگلیسی زیر است:

Mirsepassi, Ali (2007), *Iranian Intellectuals: Social Hope and Philosophical Despair*, New York University.

۳. این فهرست منابع کتاب‌شناسی نسبتاً کاملی از جریان روشن‌فکری در ایران است که برای مطالعهٔ بیش‌تر علاقه‌مندان این حوزهٔ مطالعاتی معرفی می‌شود.

کتاب‌نامه

- آبادیان، حسین (۱۳۸۸)، *بحران آگاهی و تکوین روشن‌فکری در ایران*، تهران: کویر.
- آجدانی، لطف‌الله (۱۳۸۷)، *روشن‌فکران ایران در عصر مشروطیت*، تهران: اختران.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۱)، *مدرنیتهٔ ایرانی، روشن‌فکران، و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران*، تهران: اجتماع.
- امانیان، حسین (۱۳۸۲)، *کالبدشکافی جریان‌های اصلاح‌طلبی و روشن‌فکری در ایران*، تهران: پرسمان.
- امیری، جهاندار (۱۳۸۳)، *روشن‌فکری و سیاست، بررسی تحولات روشن‌فکری در ایران معاصر*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- پارسا، حمید (۱۳۹۱)، *انواع و ادوار روشن‌فکری با نگاه به روشن‌فکری حوزوی*، تهران: کتاب فردا.
- پدرام، مسعود (۱۳۸۳)، *روشن‌فکران دینی و مدرنیته در ایران پس از انقلاب*، تهران: گام نو.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، *دین، دموکراسی، و روشن‌فکری در ایران امروز*، تهران: مؤسسهٔ تحقیقات و توسعهٔ علوم انسانی.
- حاجیلری، عبدالرضا (۱۳۸۵)، *روشن‌فکری در گذراندیشه‌ها*، تهران: دفتر نشر معارف.
- حجاریان، سعید (۱۳۸۰)، *از شاهد قدسی تا شاهد بازاری: عرفی‌شدن دین در سپهر سیاست*، مجموعهٔ مقالات، تهران: طرح نو.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۴)، *جریان‌های فکری ایران معاصر: جستاری تحلیلی از جریان‌های روشن‌فکری، روحانیت، تصوف، تجددگرایی، و ...*، تهران: وثوق.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹)، *روشن‌فکری و روشن‌فکران*، تهران: کانون اندیشهٔ جوان.

نقدی بر کتاب روشن‌فکران ایران: روایت‌های یأس و امید ... ۱۴۱

خلجی، عباس (۱۳۸۶)، «آرمان‌شهر عرفی‌شدن دین در سپهر سیاست، شرح و نقد اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی سعید حجاریان»، فصل‌نامه سیاست، دوره ۳۷، ش ۳.
میرسپاسی، علی (۱۳۸۷)، روشن‌فکران ایران: روایت‌های یأس و امید، ترجمه عباس مخبر، تهران: توسعه.

Mirsepasi, Ali (2007), *Iranian Intellectuals: Social Hope and Philosophical Despair*, New York University.

برای آگاهی بیشتر

- آزادی، پرویز (۱۳۸۸)، ریشه‌های بحران روشن‌فکری در جامعه عربی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- آشتیانی، منوچهر (۱۳۸۷)، درآمدی به بحران جامعه‌شناسی جهانی معاصر، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- آل احمد، جلال (۱۳۵۷)، در خدمت و خیانت روشن‌فکران، تهران: خوارزمی.
- اتزیونی، ایوا و هالوی (۱۳۹۱)، روشن‌فکری و شکست در پیامبری، ترجمه حسین کچویان، تهران: کتاب فردا.
- احمدی، بابک (۱۳۹۲)، کار روشن‌فکری، تهران: نشر مرکز.
- اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۷)، دهخدا در افق روشن‌فکری ایران: پژوهشی در ساحت‌های گوناگون اندیشه دهخدا، تهران: کویر.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷)، روشن‌فکری و اصل‌گرایی فلسفی، تهران: سوره مهر.
- افشار، زین‌العابدین (۱۳۹۱)، گفتمان جامعه‌شناختی مدرنیته: نقدی بر جریان روشن‌فکری فلسفی معاصر ایران، تهران: روزاندیش.
- بادامچیان، اسدالله (۱۳۹۰)، روشن‌فکری و روشن‌اندیشی در ایران، تهران: اندیشه ناب.
- باقری‌زاده، علی (۱۳۸۳)، سیر تحول روشن‌فکری در دوره پهلوی اول، تهران: ودیعت.
- برونوفسکی، جیکوب و بروس مزلیش (۱۳۸۷)، سنت روشن‌فکری در غرب، از لئونارد تا هگل، ترجمه لیلا سازگار، تهران: آگه.
- بصیرینیا، غلامرضا (۱۳۸۵)، روشن‌فکری در ایران، مجموعه مقالات، ویراسته کورش گوهریان، تهران: دفتر نشر معارف.
- به‌داروند، محمدمهدی (۱۳۸۲)، تحلیل جریان روشن‌فکری، تهران: صبح میثاق.
- حسینی جبلی، سیدمیرصالح (۱۳۹۰)، تحلیل جامعه‌شناختی جریان‌های روشن‌فکری در ایران (۱۲۸۴-۱۳۵۷)، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- داوری، رضا (۱۳۶۳)، *شمه‌ای از تاریخ غرب‌زدگی ما (وضع کنونی تفکر در ایران)*، تهران: سروش.
- دباغ، سروش (۱۳۸۸)، *آیین در آینه: مروری بر آرای دین‌شناسانه عبدالکریم سروش*، تهران: صراط.
- گزیده و نقد کتاب *انقلاب مشروطیت (۱۳۹۱)*، دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، مرکز هم‌اندیشی استادان و نخبگان دانشگاه، تهران: دفتر نشر معارف.
- رزاقی، احمد (۱۳۸۵)، *روشن‌فکری و جوانان*، تهران: سوره مهر.
- رضوی، مسعود (۱۳۸۷)، *روشن‌فکران، احزاب، و منافع ملی: گفت‌وگوهایی با متفکران معاصر ایران*، تهران: فرزانه روز.
- پوپر، کارل ریموند (۱۳۸۹)، *آزادی و مسئولیت روشن‌فکران*، ترجمه کورش زعیم، تهران: ایران مهر.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۷)، *نگاهی کوتاه به تاریخچه روشن‌فکری در ایران: مروری بر روشن‌فکری در غرب*، پیدایی روشن‌فکری در ایران و نسل اول روشن‌فکران مشروطه، تهران: کتاب صبح.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۷)، *نگاهی کوتاه به تاریخچه روشن‌فکری در ایران: نسل دوم روشن‌فکری مشروطه و روشن‌فکری دوران پهلوی*، تهران: کتاب صبح.
- زیباکلام، صادق (۱۳۹۱)، *ما چگونه ما شدیم: ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران*، تهران: روزنه.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۵)، *مروری بر سنت و سکولاریسم (مصطفی‌ملکیان، مجتهد شبستری، و عبدالکریم سروش)*، تهران: نشر و پژوهش معناگرا.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۶)، *رازدانی و روشن‌فکری و دین‌داری*، تهران: صراط.
- شریفی، عباس (۱۳۸۸)، *شریعت و عقلانیت در موج سوم روشن‌فکری دینی ایران: عقل‌نام‌محصور و فرجام عرفی‌گرایانه آن*، تهران: گام نو.
- شیخ‌فرشی، فرهاد (۱۳۸۱)، *روشن‌فکری دینی و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ظهیری، مجید (۱۳۸۱)، *مادرنیته، روشن‌فکری، و دیانت*، تهران: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- عبابافها، محمد (۱۳۹۱)، *بررسی گفتمان نسل دوم روشن‌فکری ایران*، تهران: حدیث امروز.
- عباسپور تمیجانی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *روشن‌فکری در عصر ما*، تهران: آشنایی.
- عبدالاحسین پورفرد، مسعود (۱۳۹۲)، *صورت‌بندی روشن‌فکری در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عبدالکریمی، بیژن و محمد رضایی (۱۳۸۴)، *هگل یا مارکس: نقادی بر جریان روشن‌فکری ایران*، تهران: نقد فرهنگ.
- فاضلی، قادر (۱۳۸۸)، *آب و سراب: نقد و بررسی افکار عبدالکریم سروش*، تهران: فضیلت علم.
- قلی‌پور، محمد (۱۳۸۴)، *آینه جام: جامعه‌شناسی توصیفی آرا و اندیشه‌های دکتر عبدالکریم سروش (تا نیمه دوم دهه هفتاد)*، تهران: مرن‌دیز.
- قیصری، علی (۱۳۸۹)، *روشن‌فکران ایران در قرن بیستم*، ترجمه محمد دهقانی، تهران: هرمس.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۲)، *تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

- کاظمی، عباس (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی روشن‌فکری دینی در ایران، تهران: طرح نو.
- روشن‌فکری دینی (۱۳۸۷)، تهیه و تنظیم کانون سپهر اندیشه، تهران: پردیس.
- کاوه، سعید (۱۳۸۹)، روان‌شناسی روشن‌فکری: شناخت و بررسی روشن‌فکری و عوامل مؤثر بر روشن‌فکر و فرایند روشن‌گری، تهران: سخن.
- روشن‌فکری در ایران، گفت‌وگوی تمدن‌ها و روشن‌فکر (۱۳۸۱)، تهیه و تنظیم گروه فلسفه مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها، تهران: توسعه.
- حوزه و روشن‌فکری (۱۳۹۵)، گروه نویسندگان دانشگاه باقرالعلوم، قم: بوستان کتاب قم.
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۷)، تجدد ناتمام روشن‌فکران ایران، تهران: اختران.
- مددپور، محمد (۱۳۸۹)، سیر تفکر معاصر: تجدد و دین‌زدایی در فرهنگ و هنر منورالفکری سکولار و روشن‌فکری دینی، تهران: سوره مهر.
- مصطفوی، خشایار و سهراب موسی‌زاده (۱۳۹۱)، زایش درام ایرانی: گفتمان روشن‌فکری در عصر قاجار و رویکرد میرزا آقا تبریزی در تلفیق نمایش ایرانی و تئاتر غربی، تهران: افراز.
- معصومی، یوسف (۱۳۸۹)، چراغ‌های خاموش: نقد و بررسی جریان روشن‌فکری در روند تحولات مشروطیت تا دوره استبداد صغیر، تهران: سروش هدایت.
- ملکیان، مصطفی و دیگران (۱۳۸۸)، سنت و سکولاریسم: گفتارهایی از عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری، مصطفی ملکیان، و محسن کدیور، تهران: صراط.
- میلانی، عباس (۱۳۸۷)، تجدد و تجددستیزی در ایران، مجموعه مقالات، تهران: اختران.
- میرسپاسی، علی (۱۳۸۵)، تأملی در مدرنیته ایرانی: بحثی درباره گفتمان‌های روشن‌فکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران، ترجمه جلال توکلیان، تهران: طرح نو.
- میرسپاسی، علی (۱۳۸۹)، دموکراسی یا حقیقت: رساله‌ای جامعه‌شناختی درباره روشن‌فکری ایرانی، تهران: طرح نو.
- نبوی، نگین (۱۳۸۸)، روشن‌فکران و دولت در ایران: سیاست، گفتار، و تنگنای اصالت، ترجمه حسن فشارکی، تهران: شیرازه؛ پردیس دانش.
- نصری، محسن (۱۳۹۰)، ایران؛ دیروز، امروز، فردا: تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر معارف.
- نقویان، محمد و محمدمهدی باباپور گل‌افشانی (۱۳۸۱)، ارتجاع روشن‌فکری در ایران، تهران: آل‌صمد.
- واعظی، حسن (۱۳۸۳)، استراتژی سلطه، تهدیدات، راه‌بردها، رسالت روشن‌فکران، و آینده ایران، تهران: سروش.
- هاشم‌زهی، نوروز (۱۳۸۶)، شرایط اجتماعی و پارادایم‌های روشن‌فکری در آستانه دو انقلاب ایران: انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- یثربی، سیدیحیی (۱۳۸۷)، روشن‌اندیشی و روشن‌فکری، تهران: قو؛ چاپار.

۱۴۴ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هجدهم، شماره ششم، شهریور ۱۳۹۷

یثربی، سیدیجی (۱۳۸۲)، *ماجرای غم‌انگیز روشن‌فکری در ایران*، تهران: دانش؛ اندیشه معاصر.
یزدانی مقدم، احمدرضا (۱۳۸۳)، *از دین دنیوی تا آستان قدرت*، *نقد کتاب از شاهد قدسی تا شاهد بازاری*، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما (استان قم).
یزدی، ابراهیم (۱۳۸۷)، *روشن‌فکری دینی و چالش‌های جدید*، تهران: کویر.

